

بررسی چگونگی مشارکت خانوارهای زلزله‌زده در بازسازی مناطق آسیب دیده

دکتر محمد زاهدی اصل*

چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان «بررسی چگونگی مشارکت خانوارهای زلزله‌زده اردبیل در بازسازی مناطق آسیب‌دیده» طراحی و با سفارش و تأمین اعتبار دانشگاه علامه طباطبایی در سال‌های ۱۳۷۶ - ۱۳۷۷ اجرا شده است. در بیان مشکل و چارچوب نظری آن، پدیده «مشارکت» به منزله یکی از مشخصه‌های مربوط به «توسعه» در کنار چند شاخص دیگر مرتبط با همین حوزه، از دیدگاه صاحب‌نظران بررسی شده است.

پرسش اصلی تحقیق این است: «میزان مشارکت روستاییان زلزله‌زده اردبیل با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها در امر ساخت‌وساز اماکن آسیب‌دیده چگونه بوده است؟» برای پاسخ به این پرسش از روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی استفاده شد. جمعیت مورد مطالعه، کلیه خانوارهای ساکن در روستاهای آسیب‌دیده از زلزله اسفندماه ۱۳۷۵ شهرستان اردبیل با حداقل میزان تخریب بیست درصد با حجم نمونه ۶۵۳ خانوار بوده‌اند؛ در آزمون فرضیه‌های مربوط به متغیر «مشارکت» و متغیرهای مربوط به آن، نتایج زیر به دست آمد:

- ارتباط بین میزان مشارکت با سطح سواد، میزان سن و وضعیت سلامتی رؤسای خانوار تأیید شد، ولی ارتباط با جنس رؤسای خانوار مورد تأیید قرار نگرفت.

- تفاوت بین میزان مشارکت و مقدار زمین زیرکشت و نوع مالکیت آن ملاحظه نشد، در صورتی که این تفاوت در بین میزان مشارکت و مجموع درآمد رئیس خانوار تأیید گردید.

- ارتباط معکوس بین میزان مشارکت با میزان تخریب منزل مسکونی تأیید شد.

- رؤسای خانوارهایی که از کمک‌های دریافتی از دولت راضی‌تر بودند، به همان نسبت، میزان مشارکت بیشتری را برای بازسازی اعلام می‌کردند.

- رؤسای خانوار مخالف با ابقای روستا رغبتی برای مشارکت اعلام نمی‌کردند، در صورتی که موافقان با ابقای روستای تخریب‌شده، میزان مشارکت بالاتری را برای بازسازی ابراز می‌داشتند.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش و همچنین مشاهدات عینی گروه تحقیق، پیشنهادهایی در چند مقوله مطرح گردید.

مقدمه

در مقدمه قانون اساسی تصریح شده است که «هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است تا زمینه بروز شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید و این، جز در گرو «مشارکت» فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع ممکن نیست»؛ لذا «مشارکت» به منزله وظیفه‌ای ملی و عمومی در تمامی زمینه‌ها و ابعاد، لازمه تحقق اهداف مندرج در قانون اساسی است و دولت باید شرایط و زمینه آن را برای تمامی آحاد جامعه فراهم سازد. در زندگی اجتماعی انسان، حوادث و اتفاقاتی رخ می‌دهد که در مواقعی، روند عادی زندگی بخشی از جامعه را مختل و عده کثیری از انسان‌ها را دچار خسارت مالی و جانی می‌کند؛ در پاره‌ای از موارد، بُعد و گستردگی حادثه به حدی است که دولت با تمام توان و تلاش خود قادر به مقابله همه‌جانبه با معضل و مشکل پدیدآمده نیست، و لازمه اعاده آسیب‌دیدگان به زندگی طبیعی، همدلی (emphaty) و همکاری همه قشرهای جامعه، از جمله همراهی و مشارکت حادثه‌دیدگان است و این مشارکت در تمامی مراحل - از اسکان موقت تا بازسازی اماکن و منازل تخریب‌شده - به کار می‌آید؛ و نتیجه مطلوب و مؤثر جز با مشارکت همه‌جانبه مردم، اعم از آسیب‌دیده از سانحه و بقیه آحاد جامعه متصور نیست.

حادثه تلخ زلزله اردبیل در اسفندماه ۱۳۷۵، ساکنان متجاوز از یکصد روستا در دامنه سبلان را دچار آسیب جانی و مالی جدی کرد، به گونه‌ای که طبق اعلام اداره کل حوادث غیرمترقبه استان، حدود ۴۵ هزار نفر به نوعی با پدیده آوارگی و بی‌خانمانی مواجه شدند. تجارب گروه تحقیق از حوادث مشابه در مناطق مختلف، از جمله زلزله خراسان در سال ۱۳۴۷، زلزله طبس در سال ۱۳۵۷، سال‌های اول جنگ تحمیلی، و زلزله گیلان و زنجان در سال ۱۳۶۹ نشان داده بود که توجه به مشارکت حادثه‌دیدگان و زمینه‌سازی تحقق آن می‌تواند هم در روند ساخت‌وساز، هم در مهم دانستن چنین برنامه‌ای، و هم در استفاده بهینه از امکانات ایجادشده مؤثر واقع شود. از همین رو، تحقیق حاضر طراحی و با استقبال رئیس وقت دانشگاه مواجه شد، و با حمایت و تصویب معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی به اجرا درآمد. نتایج حاصل از این تحقیق در قالب گزارشی قریب به چهارصد صفحه جهت بهره‌برداری به استانداری اردبیل ارائه گردید.

طرح مسئله

حوادث و سوانح طبیعی و غیرطبیعی نظیر سیل، زلزله، و جنگ در لحظاتی کوتاه طومار زندگی را درهم‌پیچیده، بخشی از جامعه را به پدیده بی‌خانمانی و آوارگی ناشی از آن مبتلا می‌کنند. این حوادث نه تنها از بُعد مادی و اقتصادی، بلکه از نظر معنوی و روانی-اجتماعی نیز آثار متعددی برجای می‌گذارند، و لذا برای تعدیل این آثار و اعاده آسیب‌دیدگان به زندگی نسبتاً طبیعی، تلاش گسترده و همه‌جانبه تمامی نیروها، اعم از دولتی و مردمی از یک سو و مشارکت، همراهی و همدلی آسیب‌دیدگان از سوی دیگر ضرورت دارد. تجارب حوادث مشابه در نیمه قرن حاضر به روشنی نشان می‌دهد که هر اندازه همکاری و همدلی آسیب‌دیدگان در قالب «مشارکت» به اشکال مختلف بیش‌تر باشد، به همان میزان، بازسازی و نوسازی مناطق آسیب‌دیده متناسب با خواست و نیاز مردم انجام خواهد گرفت و روند ساخت‌وساز، متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی منطقه، سرعت افزون‌تری خواهد یافت.

«مشارکت» به منزله یکی از پدیده‌های اجتماعی، یعنی همکاری آگاهانه و توأم با میل و رغبت که در کلیه مراحل ساخت‌وساز منظور می‌شود، به گونه‌ای که آسیب‌دیده

احساس می‌کند نظر او، خواسته او، کمک و همکاری او به هر میزان و در هر شکلی دارای ارزش و اهمیت است.

«مشارکت» و میزان آن در همه انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی یکسان نیست و عوامل مختلفی در آن اثرگذار است؛ بخشی از این عوامل، فردی، تعدادی اجتماعی و پاره‌ای نیز اقتصادی یا فرهنگی‌اند. سطح سواد، میزان سن، وضع تأهل، نوع جنس، وضعیت سلامتی، حجم خانوار و نظایر آن را می‌توان از عوامل فردی و خانوادگی محسوب کرد. درآمد، مالکیت زمین مزروعی، مقدار زمین زیر کشت، تعداد دام، میزان تخریب منزل مسکونی، تعداد تلفات دامی و انسانی، وضعیت محل سکونت و تسهیلات مربوط به آن را نیز می‌توان از عوامل اقتصادی تلقی کرد؛ ضمن این‌که انگیزه‌ها و نگرش‌های افراد نیز به مثابه عوامل روان‌شناختی در «مشارکت» و میزان آن مؤثر است. اصولاً «مشارکت» به منزله فرآیندی مهم در مباحث توسعه مطرح می‌شود و از نظر برخی از صاحب‌نظران و علمای اجتماعی حتی یکی از شاخص‌های مهم توسعه تلقی می‌گردد، چنان‌چه پیتر تانزند (Peter Tansend) یکی از مشخصه‌های عدم توسعه را ناتوانی افراد در امر مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی بیان می‌کند (کامران، ۱۳۷۴: ۴۴)، و متفکری دیگر آن را به معنی برانگیختن حساسیت و افزایش درک و توان روستاییان جهت پاسخگویی به طرح‌های توسعه و همچنین تشویق ابتکارات محلی، زمینه‌سازی برای دخالت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری، و همیاری در توسعه و بهره‌مند شدن از ثمرات آن بیان می‌کند (اوکلی، ۱۳۷۰: ۳۲).

اگر چه سازه‌ای نظیر زلزله در مناطق محروم ظاهراً موجب محرومیت مضاعف می‌شود، ولی در سایه «مشارکت»، مردم آن مناطق نسبت به قابلیت‌ها و توانمندی‌های خود آگاه می‌شوند و با همکاری و همراهی نهادها و سازمان‌های ذیربط، ثمره این پدیده را می‌چشند و در سایه آن، حیاتی دوباره پیدا می‌کنند و این امر، زمینه حرکت در جهت توسعه را برای مردم فراهم می‌سازد. علاوه بر آن، امکانات ایجادشده و سرمایه‌گذاری‌ها در نظر مردم آسیب‌دیده اهمیت پیدا کرده، ضمن مراقبت توأم با دلسوزی از این امکانات، قدرشناس سرمایه‌گذاری‌های دولت می‌شوند و از خدمات ارائه‌شده به شایستگی استفاده می‌کنند.

مبانی نظری تحقیق

در تبیین مبانی نظری این پژوهش، نظریه‌های مربوط به توسعه و توسعه‌یافتگی به مثابه زیرساز مبانی نظری موضوع تحقیق به بحث گذاشته شده است که به دو نمونه اشاره می‌شود:

- خرده‌فرهنگ‌های دهقانی از موانع توسعه تلقی می‌شوند، از جمله این که «انگیزه قوی برای پیشرفت فردی وجود دارد و در نتیجه، سطح زندگی بسیار پایین است (ازکیا، ۱۳۷۰: ۶۰).

- لرنر (Lerner) همدلی را یکی از عناصر مؤثر در پذیرش پدیده‌های جدید، مانند مشارکت سیاسی و اجتماعی معرفی کرده و معتقد است که یکی از دلایل پایین بودن میزان همدلی در میان دهقانان، شکل‌گیری شخصیت آن‌ها در انزوا و محیط اجتماعی بسته است (سام آرام، ۱۳۷۴: ۷۰).

برای رعایت اختصار، موضوع اصلی پژوهش یعنی «مشارکت» را اجمالاً از نگاه صاحب‌نظران مورد بحث قرار می‌دهیم:

مشارکت در فرهنگ فارسی دکتر معین به «شرکت کردن»، «انبازی کردن»، «سهیم کردن»، «رفیق» و «همتا» آمده و مرادف انگلیسی آن participation است. مفاهیم «همیاری»، «دیگریاری»، و «خودیاری» نیز مرادف با «مشارکت» آورده شده است. مشارکت به شیوه‌های سنتی در قالب «بُنه»، «شیرواره»، و «تقسیم آب» قابل ذکر و توجه است. «مشارکت» نوعی رفتار با مردم است که به طور مؤثر، آنان را قادر به تأثیرگذاری می‌کند. مشارکت جامعه روستایی را فرآیندی توصیف کرده‌اند که توسط آن، افراد، خانواده‌ها و اجتماعات، مسئولیت بهداشت و رفاه خود را به عهده گرفته، توانمندی‌های خود را در امر بهبود وضعیت خویش و اجتماعشان افزایش می‌دهند (اوکلی، ۱۳۷۰: ۳۷).

مشارکت، آگاهی اجتماعی را درباره امکانات و تنگناها توسعه می‌بخشد و موجب می‌گردد که افراد اجتماع در زمینه مسائل خود، به‌درستی اندیشه کنند. اندیشه درست، رفتار سازنده را به دنبال خواهد داشت و هم‌گامی اندیشه و رفتار منطقی، به پرورش انسان‌های قادر و آگاه خواهد انجامید. تأثیر متقابل آگاهی و مشارکت بر یکدیگر کاملاً

مشهود است، چنانچه گسترش دامنه مشارکت، آگاهی‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد و افزایش آگاهی‌های اجتماعی، مشارکت بهتر و بیش‌تر را در پی خواهد داشت (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۵: ۶).

در مباحث مددکاری اجتماعی، «مشارکت» یکی از مهم‌ترین اصول حرفه‌ای مددکاری با دو مشخصه مهم آگاهی و میل و رغبت به همکاری معرفی می‌شود، و پایه و اساس برنامه‌های مددکاری اجتماعی را در روش‌های مختلف تشکیل می‌دهد (زاهدی اصل، ۱۳۷۷: ۱۰۳).

در بحث از مشارکت به منزله یکی از مشخصه‌های توسعه، آرای ارزنده‌ای مطرح شده است که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر، اگر هر انسانی با توجه به شئون خود در فعالیت‌های فرهنگی جامعه سهیم باشد، این امر بدان مفهوم است که کارگزاران جامعه باید وسایل چنین مشارکتی را فراهم آورند. بنابراین، بعد دیگری از توسعه فرهنگی، حق مشارکت در امور زندگی اجتماعی برای عموم تلقی می‌شود (سمت، ۱۳۷۰: ۱۰۴).

از اواخر دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰ امر مشارکت در توسعه به صورتی گسترده مطرح شده و کانون توجه آن بر دو اصل توسعه روستایی یک‌پارچه به مثابه «توسعه ملی» و «مشارکت مردم» مبتنی است. نظریه‌های خوداتکایی روستایی بر مبنای مشارکت، منحصر به دهه ۱۹۷۰ نبود. پیش‌تاز این نظریات، مهاتما گاندی، رهبر فقید هند بوده و بعد از او، ژولیوس نیرره (Julius Nierere) در تانزانیا الگوی «توسعه روستایی مشارکتی» را پیاده کرد. نظریه گاندی بر دو اصل استوار بود: خوداتکایی روستا، مشارکت و خودیاری روستا. در نظریه گاندی، روستا واحدی مستقل بود که محور خوداتکایی کشور محسوب می‌شد. نیرره نیز تنها راه حل مشکلات جهان سوم را توسعه بر محور مشارکت می‌دانست و معتقد بود که عمران برای مردم و توسط خود آن‌ها باید انجام پذیرد و دولت‌ها فقط باید زمینه این مشارکت را تسهیل کنند (سمت، ۱۳۷۰: ۲۹۶).

استراتژی (راهبرد) نهفته در پشت مشارکت مردمی و تحرک اجتماعی باعث آزاد شدن انرژی مردم روستا باهدف جلب اطمینان آن‌ها برای تصمیم‌گیری و اجرا به طریق خودجوش گردیده است.

دانیل لرنر (Danile Lerner) در مطالعه‌ای که در سال‌های ۱۹۵۱ - ۵۲ دربارهٔ شش کشور خاورمیانه از جمله ایران انجام داد، بین شهرت‌شینی، سواد، میزان مشارکت و دسترسی به رسانه‌ها ارتباطی نزدیک یافت. به نظر وی، جامعهٔ جدید، «مشارکتی» یا «مشارکت‌جو» است. مشارکت در زمینهٔ سیاسی به صورت شرکت در انتخابات، در زمینهٔ اقتصادی به صورت فعالیت در بازار و افزایش درآمد، در زمینهٔ فرهنگی به صورت استفاده از رسانه‌ها، و در زمینهٔ روانی به صورت همدلی و تحرک جلوه می‌کند. به عقیدهٔ لرنر، مشارکت در سطح جامعهٔ کوچک، نوعی تحرک روانی ایجاد می‌کند که می‌توان آن را در شخصیت پویا و فعال، قدرت انطباق، ابتکار و نوآوری در سطح فردی و افزایش میزان مشارکت سیاسی و اقتصادی در سطح جامعهٔ بزرگ مشاهده کرد (سمت، ۱۳۷۰: ۴۲۸).

برنامه‌ای که جوابگوی خواسته‌های مردم و تأمین‌کنندهٔ آرای علمی متخصصان و از نظر عملی قابل اجرا باشد، زودتر و بهتر می‌تواند موفق شود. بنابراین، یک برنامه‌ریز روستایی در برنامهٔ خود باید تعریف مشخصی از مردم و مشارکت آن‌ها داشته باشد (کامران، ۱۳۷۴: ۳۶).

در سال ۱۹۷۸، کنفرانس جهانی «آلماتا» که تحت نظارت سازمان بهداشت جهانی تشکیل شد، بر اهمیت مشارکت در اشاعهٔ مراقبت‌های بهداشتی اولیه و تأمین سلامتی برای همه تا سال ۲۰۰۰ تأکید نمود. اعلامیهٔ کنفرانس مذکور بر اهمیت بنیانی مشارکت در توسعهٔ روستایی تأکید و طرحی را تحت نظارت سازمان خواربار و کشاورزی (فائو) ارائه کرد که هدف آن، انگیزش توسعهٔ روستایی براساس مشارکت مؤثر است (اوکلی، ۱۳۷۰: ۲۷).

حاصل سخن این که مشارکت از یک سو زمینه‌ساز توسعه و از سوی دیگر، یکی از مشخصه‌های توسعه‌یافتگی تلقی می‌شود و برنامه‌های توسعه بدون لحاظ کردن جایگاهی ویژه برای مشارکت در ابعاد مختلف، موفقیت نخواهد داشت. این پدیده در جوامع روستایی باید با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این جوامع زمینه‌سازی شود و در این راستا، آگاهی از عوامل فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی اثرگذار در آن می‌تواند به تحقق هر چه بیشتر این پدیده کمک کند.

هدف پژوهش

مهم‌ترین هدف این پژوهش، آشنایی با آرای رؤسای خانوارهای زلزله‌زده اردبیل در مورد چگونگی مشارکت آن‌ها در بازسازی مناطق آسیب‌دیده از زلزله است و برای تحقق چنین شناختی، باید تلاش کرد تا پاسخی برای این پرسش اصلی یافت که «مشارکت زلزله‌زدگان در بازسازی مناطق آسیب‌دیده و میزان آن با توجه به ویژگی‌های فردی، اجتماعی، و اقتصادی آن‌ها چگونه بوده است؟»

فرضیه‌های تحقیق

- میزان مشارکت رؤسای خانوارها در بازسازی با مشخصات فردی آن‌ها (میزان سن، نوع جنس، سطح سواد، و وضعیت سلامتی) رابطه دارد.
- میزان مشارکت رؤسای خانوارها در بازسازی با مشخصات خانوادگی آن‌ها (وضع تأهل، حجم خانوار، و تعداد فرزندان ذکور) رابطه دارد.
- میزان مشارکت رؤسای خانوارها در بازسازی با وضعیت اقتصادی آن‌ها (مالکیت زمین مزروعی، مقدار زمین زیر کشت، و میزان درآمد) رابطه دارد.
- میزان مشارکت رؤسای خانوارها در ساخت‌وساز مناطق آسیب‌دیده با وضعیت محل سکونت فعلی آن‌ها (زمان تحقیق) رابطه دارد.
- میزان مشارکت رؤسای خانوارها در بازسازی با میزان تخریب [ناشی از زلزله] منازل رابطه دارد.
- میزان مشارکت رؤسای خانوارها در بازسازی با نظر آن‌ها در مورد ابقای روستا رابطه دارد.
- میزان مشارکت رؤسای خانوارها در بازسازی با نظر آن‌ها در خصوص کمک‌های دریافتی از نهادهای دولتی رابطه دارد.

طرح تحقیق

در این پژوهش، از روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی استفاده شده و جمعیت مورد مطالعه، کلیه خانوارهای روستاهای آسیب‌دیده از زلزله به میزان بیست درصد

تخریب و بیش‌تر و شامل ۸۰۲۶ خانوار در ۹۴ روستا بوده است. حجم نمونه با توجه به دقت در حدود سه درصد و قضاوت در سطح ۹۵ درصد، ۶۵۳ خانوار برآورد شد که پس از تدوین فهرستی از خانوارهای ساکن در هر یک از روستاها با بهره‌گیری از روش تصادفی ساده، انتخاب و مورد مصاحبه ساخته شده قرار گرفت. برای کنترل واریانس پاسخ‌های ارائه شده، مصاحبه‌کنندگان از بین دانشجویان سال چهارم علوم انسانی انتخاب شدند و آموزش لازم به آن‌ها داده شد.

برای تأمین اعتبار ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌های تدوین شده با پرسش‌هایی که تحقیق به دنبال یافتن پاسخی برای آن‌ها بود، توسط کارشناسان مطابقت داده شد و اعتبار صوری مصاحبه ساخته شده تأیید گردید. برای تعیین پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز از شیوه‌آزمون و آزمون مجدد استفاده شد که وجود همبستگی بین دو آزمون، پایایی مورد انتظار را تأیید کرد.

در این پژوهش، حدود شصت متغیر بررسی و برای هر یک از متغیرهای سنجیده شده، تعاریف نظری و عملیاتی ارائه و سطح سنجش آن‌ها نیز مشخص گردید. برای رعایت اختصار، تنها به تعریف عملیاتی چند متغیر مربوط به مشارکت اشاره می‌شود.

- نظر رؤسای خانوارها در مورد امکانات واگذار شده در سطح رتبه‌ای سنجیده شد؛ این رتبه شامل پنج طیف بسیار مناسب، مناسب، تا حدودی مناسب، نامناسب، و بسیار نامناسب بوده که برای هر یک از امکانات هشت‌گانه واگذاری، مورد سؤال قرار گرفت و در نهایت، معدل آن در خصوص متغیر میزان مشارکت لحاظ گردید.

- میزان تخریب منزل مسکونی، از دو بُعد (کارشناسان ستاد حوادث غیرمترقبه استان و نظر رؤسای خانوارها) در سطح فاصله‌ای از بیست تا یکصد درصد مورد سنجش قرار گرفته است.

- نظر رؤسای خانوارها در مورد ابقای روستا در دو مقوله «موافق» و «مخالف» مورد سنجش قرار گرفته است.

- میزان مشارکت رؤسای خانوارها در بازسازی نیز در سطح رتبه و با پنج درجه بسیار کم، کم، تا حدودی، زیاد و بسیار زیاد مورد سنجش قرار گرفت، به طوری که میانگین یک، معرف مشارکت بسیار کم و میانگین پنج، بیانگر مشارکت بسیار زیاد بوده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به مجموعه متغیرهای مورد سنجش و رابطه بین تعدادی از آن‌ها، ۱۲۱ جدول یک و دوبعدی تنظیم شده و مورد تبیین قرار گرفته است. به منظور رعایت اختصار و با توجه به متغیر اصلی این پژوهش و برای آزمون فرضیه‌ها، به تحلیل برخی از جداول اکتفا می‌شود.

۱- جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که اولاً، ۲۱/۱ درصد از آسیب‌دیدگان عدم مشارکت را اعلام کرده‌اند. ثانیاً، ۳۰/۶۸ درصد میزان مشارکت خود را در حد کم، ۲۸/۹۳ درصد در حد متوسط، ۲۰/۵۸ درصد در حد زیاد و ۱۱/۰۷ درصد در حد بسیار زیاد بیان نموده‌اند. تعمق در این ارقام تا حدودی نظریه لرنر را در زمینه کمی همدلی و مشارکت در حد پایین در جوامع توسعه‌نیافته تأیید می‌کند، به گونه‌ای که در حدود چهل درصد، میزان کم و بسیار کم و ۲۸/۹۳ درصد میزان متوسط مشارکت را اعلام کرده‌اند و می‌توان گفت که حدود هفتاد درصد از رؤسای خانوارها میزان مشارکت متوسط و پایین را بیان کرده‌اند.

۲- جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که در گروه با میزان مشارکت بسیار کم، ۳۵/۶ درصد بی‌سواد و ۵۵ درصد باسواد بوده‌اند؛ در گروه با میزان مشارکت متوسط، ۵۱/۷ درصد بی‌سواد و ۴۷ درصد باسواد بوده‌اند؛ و در گروه با میزان مشارکت بسیار زیاد، ۳۸/۶ درصد بی‌سواد و ۵۵ درصد باسواد بوده‌اند. درصدهای فوق نشان می‌دهد که با افزایش سطح سواد، میزان مشارکت تغییر نمی‌کند. برای قضاوت در این خصوص، از آزمون کاسکور استفاده شده که نشان می‌دهد این تفاوت وجود دارد؛ زیرا کاسکور محاسبه شده (۲۲/۶۶) با درجه آزادی ۱۰ در سطح، دو درصد تفاوت را نشان می‌دهد. ضمناً، ضریب توافق کرامر (۰/۱۳) نیز مؤید رابطه بین دو متغیر مورد بحث است؛ یعنی، هرچه سطح سواد بیش‌تر می‌شود، میزان مشارکت افزایش می‌یابد.

مقایسه نتایج حاصل از تحلیل این جدول با دیدگاه دانیل لرنر در خصوص رابطه مستقیم بین سطح سواد و میزان مشارکت، تأییدکننده نسبی نظریه ایشان است.

۳- برای بیان تأثیر میزان سن رئیس خانوار با میزان مشارکت در ساخت و ساز منازل تخریب‌شده در زلزله از جدول شماره (۳) استفاده شده است. طبق این جدول، رؤسای

خانوارها با میزان مشارکت بسیار کم، $۳۷/۹$ درصد در سن کم‌تر از پنجاه سال و $۶۲/۱$ درصد در گروه‌های سنی بیش از پنجاه سال قرار دارند.

رؤسای خانوارها با میزان مشارکت متوسط، ۵۷ درصد در سن کم‌تر از پنجاه سال و ۴۳ درصد در سنین بالای پنجاه سال قرار دارند.

رؤسای خانوارها با میزان مشارکت بسیار زیاد، $۶۳/۱$ درصد در سن کم‌تر از پنجاه سال و $۳۶/۹$ درصد در گروه‌های سنی بالای پنجاه سال قرار دارند.

مقایسه درصدهای فوق، نشان‌دهنده ارتباط بین میزان سن و میزان مشارکت است، به طوری که تائو محاسبه شده ($-۰/۰۹$) در سطح یک درصد، وجود ارتباط را تأیید می‌کند و به لحاظ منفی بودن علامت ضریب، ارتباط معکوس است؛ یعنی، هر اندازه سن رئیس خانوار بیش‌تر می‌شود، میزان مشارکت کاهش می‌یابد.

۴- به منظور بیان ارتباط بین میزان مشارکت رؤسای خانوارها در بازسازی و نوع جنس آن‌ها، از ارقام مندرج در جدول شماره (۴) استفاده می‌شود که نشان می‌دهد در گروه مردان، $۶/۶$ درصد با میزان مشارکت بسیار کم و در گروه زنان، $۱۲/۵$ درصد با همین میزان مشارکت قرار دارند. میزان مشارکت متوسط در گروه مردان، $۲۳/۱$ درصد و در گروه زنان، $۱۸/۸$ درصد بیان شده؛ و میزان مشارکت بسیار زیاد، رقم‌های فوق را به ترتیب ۹ و $۳/۱$ درصد نشان می‌دهد. مقایسه درصدها نشان‌دهنده عدم معنی‌دار بودن تفاوت بین دو متغیر فوق است. برای حصول اطمینان، اقدام به آزمون کاسکور شد که نتیجه حاصل از آن نیز تفاوت مورد بحث را تأیید نمی‌کند.

۵- میزان مشارکت رؤسای خانوارها با توجه به وضع سلامتی آن‌ها در جدول شماره (۵) نشان داده شده و مبین آن است که اولاً، در گروه با میزان مشارکت بسیار کم، $۶۸/۹$ درصد را افراد سالم و $۲۸/۹$ درصد را افراد ناسالم تشکیل می‌دهند. ثانیاً، در گروه با میزان مشارکت متوسط، $۸۳/۹$ درصد را افراد سالم و $۱۳/۴$ درصد را افراد ناسالم به خود اختصاص می‌دهند. ثالثاً، در گروه با میزان مشارکت بسیار زیاد، رقم‌های فوق به ترتیب $۸۹/۵$ درصد برای سالم‌ها و $۸/۵$ درصد برای ناسالم‌هاست. مقایسه درصدها نشان از وجود تفاوت بین دو متغیر دارد و آزمون کاسکور در سطح پنج درصد خطا ($۱۲/۲۱$) آن را تأیید می‌کند. محاسبه ضریب توافق کرامر ($۰/۱۵$) نیز توافق متوسط بین

دو متغیر میزان مشارکت و وضعیت سلامتی رؤسای خانوارها را نشان می‌دهد.

۶- جدول شماره (۶) برای تبیین ارتباط بین میزان مشارکت و وضعیت تأهل رؤسای خانوارها تدوین شده است. ارقام مندرج در این جدول نشان از تفاوت بین دو متغیر دارد؛ چنانچه در گروه با مشارکت بسیار کم، $۱۳/۳$ درصد را مجردان و $۸۶/۷$ درصد را متأهلان تشکیل می‌دهند.

در گروه با مشارکت متوسط، $۸/۷$ درصد را مجردان و $۹۱/۳$ درصد را متأهلان و بالاخره در گروه با مشارکت بسیار زیاد، $۵/۳$ درصد را مجردان و $۹۴/۷$ درصد را متأهلان تشکیل می‌دهند. ولی آزمون کاسکور ($۶/۰۹$) معنی‌داری بودن تفاوت بین دو متغیر مورد بحث، یعنی میزان مشارکت رؤسای خانوارها در بازسازی و تأهل یا مجرد بودن آن‌ها را تأیید نمی‌کند.

۷- برای نشان دادن ارتباط بین حجم خانوارها و میزان مشارکت رؤسای خانوارها در بازسازی، جدول شماره (۷) تنظیم شده است. این جدول نشان می‌دهد که در گروه با میزان مشارکت بسیار کم، $۶۴/۴$ درصد با حجم خانوار بین یک تا شش نفر و $۳۴/۵$ درصد با حجم خانوار هفت نفر و بیش‌تر هستند. در گروه با میزان مشارکت متوسط، $۵۹/۷$ درصد با حجم خانوار یک تا شش نفر و $۴۰/۳$ درصد با حجم خانوار بیش از شش نفر؛ در گروه با میزان مشارکت بسیار زیاد، $۷۰/۲$ درصد با حجم خانوار یک تا شش نفر و $۲۹/۸$ درصد با حجم خانوار بیش از شش نفر هستند. ظاهراً ارقام فوق نشان از تفاوت بین دو متغیر دارد، ولی آزمون کاسکور ($۷/۲۸$) با درجه آزادی پنج در سطح ۹۵ درصد، امر فوق را تأیید نمی‌کند.

۸- به منظور تبیین ارتباط بین میزان مشارکت و تعداد فرزندان ذکور از جدول شماره (۸) استفاده شده است. این جدول نشان می‌دهد که در گروه با میزان مشارکت کم، $۶۲/۹$ درصد دارای دو پسر و کم‌تر، و $۱۷/۲$ درصد دارای پنج پسر و بیش‌تر هستند. در گروه با میزان مشارکت متوسط، $۵۸/۵$ درصد دارای دو پسر و کم‌تر، $۱۳/۱$ درصد دارای پنج پسر و بیشتر هستند. درصدها معرف عدم تفاوت بین دو متغیر است. آزمون کاسکور ($۱۳/۸۶$) نیز با ۹۵ درصد، اطمینان این امر را تأیید می‌کند.

۹- برای بیان رابطه بین دو متغیر میزان مشارکت و نوع مالکیت زمین، از ارقام مندرج

در جدول شماره (۹) استفاده می‌شود.

در گروه با میزان مشارکت بسیار کم، $۷۷/۸$ درصد دارای زمین شخصی و $۸/۹$ درصد فاقد زمین (خوش‌نشین) هستند.

در گروه با میزان مشارکت متوسط، $۷۸/۵$ درصد دارای زمین شخصی و $۱۰/۱$ درصد فاقد زمین هستند.

در گروه با میزان مشارکت بسیار زیاد، $۶۱/۴$ درصد دارای زمین شخصی و $۲۲/۸$ درصد فاقد زمین هستند. درصدهای مذکور مبین تفاوت رؤسای خانوارهای مالک و غیرمالک از نظر میزان مشارکت است؛ ولی کاسکور محاسبه‌شده ($۷/۶۳$) با درجه آزادی پنج در سطح ۹۵ درصد، تفاوت فوق را تأیید نمی‌کند.

۱۰- در خصوص میزان مشارکت و مقدار زمین زیرکشت و ارتباط بین این دو، از ارقام مندرج در جدول شماره (۱۰) استفاده می‌شود. درصدهای افقی جدول نشان می‌دهد که در گروه با میزان مشارکت بسیار کم، $۶۹/۴$ درصد مساحت زمین زیر کشت کم‌تر از پانزده هکتار و $۸/۳$ درصد بیش از سی هکتار دارند.

در گروه با میزان مشارکت متوسط، این ارقام به ترتیب $۷۶/۳$ و $۹/۳$ درصد و بالاخره در گروه با میزان مشارکت بسیار زیاد، درصدهای ۸۰ و $۲/۸$ به ترتیب برای کم‌تر از پانزده هکتار و بیش‌تر از سی هکتار ذکر شده است.

مقایسه درصدها نشان‌دهنده تفاوت معنادار بین دو متغیر نیست، ولی به‌منظور حصول اطمینان از این امر، از آزمون کاسکور استفاده شد که با درجه آزادی چهار و در سطح پنج درصد خطا، تفاوت بین دو متغیر میزان مشارکت رؤسای خانوارها در بازسازی و مقدار زمین زیرکشت را تأیید نمی‌کند.

۱۱- به منظور شناخت ارتباط بین میزان کل درآمد خانوار و میزان مشارکت در امر ساخت‌وساز منازل تخریب‌شده، جدول شماره (۱۱) مورد استفاده قرار گرفته است. ارقام مندرج در این جدول نشان می‌دهد که در گروه رؤسای خانوار با درآمد $۹۹ - ۲۰$ هزار تومان، $۶/۷$ درصد نسبت به میزان مشارکت نظر بسیار کم، $۳۱/۱$ درصد کم، $۱۱/۱$ درصد متوسط، $۱۷/۸$ درصد زیاد و $۳۴/۴$ درصد بسیار زیاد را اعلام کرده‌اند. در گروه با درآمد $۴۹۹ - ۲۵۰$ هزار تومان، $۳۴/۴$ درصد بسیار کم و کم، ۲۸ درصد متوسط و $۱۸/۳$

درصد زیاد و بسیار زیاد را اعلام کرده‌اند. در گروه بالای ۷۵۰ هزار تومان درآمد سالیانه، ۱۸/۷ درصد میزان کم و بسیار کم، ۳۱/۳ درصد متوسط و ۳۴/۴ درصد نیز میزان مشارکت زیاد و بسیار زیاد را اعلام کرده‌اند. مقایسه درصدهای مذکور تفاوتی را بین گروه‌های درآمدی از نظر میزان مشارکت نشان می‌دهد.

کاسکور محاسبه‌شده (۳۸/۲۹۷) با درجه آزادی ۲۰ در سطح یک درصد، تفاوت بین میزان کل درآمد و میزان مشارکت را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی رتبه‌ای «تائوبی» نشان از ارتباط بسیار کم بین دو متغیر فوق دارد.

۱۲- بین وضعیت محل سکونت فعلی با میزان مشارکت نیز ارتباطی وجود دارد. جدول شماره (۱۲) در این خصوص نشان می‌دهد که در گروه با میزان مشارکت بسیار کم، ۸۲/۲ درصد ساکن در چادر و ۱۷/۸ درصد ساکن در خانه خود هستند. در گروه با میزان مشارکت متوسط، ۷۱/۱ درصد ساکن در چادر و ۲۲/۸ درصد در خانه خود ساکن‌اند؛ و در گروه با میزان مشارکت بالا، ۶۶/۷ درصد ساکن در چادر و ۳۱/۶ درصد ساکن در منزل خود هستند. مقایسه درصدهای فوق نشان از ارتباط بین وضعیت محل سکونت فعلی با میزان مشارکت دارد، به طوری که کاسکور محاسبه‌شده (۲۲/۰۸) با درجه آزادی پنج در سطح یک درصد، تفاوت بین میزان مشارکت و وضعیت محل سکونت را نشان می‌دهد. ضریب توافق کرامر (۰/۱۸) مبین توافق بین دو متغیر فوق است. به بیان روشن‌تر، کسانی که از نظر محل سکونت فعلی، وضعیت نامناسب‌تری دارند، رغبت بیشتری برای مشارکت در بازسازی و رهایی از وضع فعلی داشته‌اند.

۱۳- به منظور بررسی تأثیر میزان تخریب منزل مسکونی در میزان مشارکت رؤسای خانوارها نسبت به ساخت و ساز منازل مسکونی، جدول شماره (۱۳) تنظیم شده است. این جدول نشان می‌دهد که اولاً، در گروه با میزان مشارکت بسیار کم، ۸۲/۲ درصد تخریب منزل بین ۸۱-۱۰۰ درصد و ۱۵/۵ درصد کم‌تر از هشتاد درصد تخریب منزل داشته‌اند. ثانیاً، در گروه با میزان مشارکت متوسط، ۶۸/۵ درصد با تخریب منزل بین ۱۰۰-۸۱ درصد ۳۰/۹ درصد با تخریب کم‌تر از هشتاد درصد مواجه بوده‌اند. ثالثاً، در گروه با میزان مشارکت بسیار زیاد، ۶۳/۲ درصد با میزان تخریب بین ۱۰۰-۸۱ درصد و ۳۳/۳ درصد با میزان تخریب کم‌تر از هشتاد درصد بوده‌اند. مقایسه درصدهای فوق

نشان‌دهنده تفاوت بین دو متغیر مورد بحث است. برای اطمینان از این موضوع، کاسکور محاسبه شده است. کاسکور محاسبه شده (۲۷/۱۶) با درجه آزادی ۱۰ در سطح یک درصد خطا، مؤید تفاوت مورد بحث بوده، ضمن این که ضریب همبستگی رتبه‌ای بین دو متغیر (۰/۱۲۹۲-) مبین ارتباط معکوس بین میزان تخریب منزل مسکونی و میزان مشارکت است؛ یعنی، هر اندازه میزان تخریب بیش‌تر می‌شود، میزان مشارکت کاهش می‌یابد.

۱۴- جدول شماره (۱۴) رابطه بین نظر رؤسای خانوارها درباره ابقای روستا و میزان مشارکت آن‌ها در امر بازسازی را نشان می‌دهد. طبق ارقام مندرج در این جدول: در گروه با میزان مشارکت بسیار کم، ۹۳/۳ درصد موافق ابقا و ۶/۷ درصد مخالف با آن هستند؛ در گروه با میزان مشارکت متوسط، ۹۴/۶ درصد موافق و ۴/۷ درصد مخالف ابقا هستند؛ در گروه با میزان مشارکت بسیار زیاد، ۸۲/۵ درصد موافق و ۱۷/۵ درصد مخالف با ابقای روستای خود هستند. درصدهای فوق نشان از تفاوت بین دو متغیر مورد بحث دارد. آزمون کاسکور (۱۷/۶۴) با درجه آزادی پنج در سطح یک درصد، این تفاوت را تأیید می‌کند. ضریب توافق کرامر (۰/۱۶) نیز مبین توافق بین میزان مشارکت رؤسای خانوارها در بازسازی و نظر آن‌ها درباره چگونگی ابقای روستای محل سکونت خود است.

۱۵- جهت تبیین ارتباط بین میزان مشارکت رؤسای خانوارها در ساخت و ساز منازل تخریب شده و نظر آن‌ها درباره کمک‌های دریافتی از نهادهای دولتی، از جدول شماره (۱۵) استفاده می‌شود. این جدول نشان می‌دهد در گروه رؤسای خانواری که میزان مشارکت آن‌ها بسیار کم است، نسبت به کمک‌های دریافتی، ۲۴/۴ درصد نظر نامناسب و بسیار نامناسب، ۳۷/۸ درصد متوسط و ۳۱/۱ درصد مناسب و بسیار مناسب ابراز کرده‌اند؛ در گروه با مشارکت متوسط، ۱۴/۱ درصد نامناسب و بسیار نامناسب، ۳۴/۹ درصد متوسط و ۳۹/۶ درصد مناسب و بسیار مناسب اعلام کرده‌اند؛ و در گروه با میزان مشارکت بسیار زیاد، ۱۵/۸ درصد نامناسب، ۱۹/۳ درصد متوسط و ۴۲/۱ درصد نیز مناسب و بسیار مناسب ابراز کرده‌اند به گونه‌ای که ضریب همبستگی رتبه‌ای کندال (۱۰/۸۶) این امر را با ۹۹ درصد اطمینان تأیید می‌کند، یعنی، هر اندازه نظر رؤسا درباره

کمک‌های دریافتی مناسب‌تر باشد، میزان مشارکت در امر بازسازی بیشتر می‌شود.

جدول شماره ۱ - توزیع فراوانی رؤسای خانوار بر حسب میزان مشارکت

میزان مشارکت	فراوانی	درصد کل	درصد خالص
بی جواب و غیر شامل	۱۳۸	۲۱/۶	-
۱-۱/۴۹ بسیار کم	۴۵	۶/۹	۸/۷۴
۲-۲/۴۹ کم	۱۵۸	۲۴/۲	۳۰/۶۸
۳-۳/۴۹ متوسط	۱۴۹	۲۲/۸	۲۸/۹۳
۴-۴/۴۹ زیاد	۱۰۶	۱۶/۲	۲۰/۵۸
۵-۴/۵ بسیار زیاد	۵۷	۸/۷	۱۱/۰۷
جمع	۶۵۳	۱۰۰	۱۰۰

جدول شماره ۲ - توزیع فراوانی رؤسای خانوار بر حسب میزان مشارکت و

میزان تحصیلات

میزان مشارکت	میزان تحصیلات رئیس خانوار	بی جواب	بی سواد	خواندن و نوشتن	ابتدایی	سیکل	دیپلم	تحصیلات عالی	جمع
۱-۱/۴۹ بسیار کم	۴	۱۶	۵	۱۴	۵	۱			۴۵
۲-۲/۴۹ کم	۷	۸۰	۲۰	۳۶	۱۳	۲			۱۵۸
۳-۳/۴۹ متوسط	۵	۷۷	۱۸	۳۹	۶	۴			۱۴۹
۴-۴/۴۹ زیاد	۱	۶۷	۵	۲۰	۱۰	۲	۱		۱۰۶
۵-۴/۵ بسیار زیاد	۳	۲۲	۳	۱۹	۹	۱			۵۷
جمع	۳۵	۳۳۸	۶۲	۱۵۷	۴۶	۱۴	۱		۶۵۳

جدول شماره ۳ - توزیع فراوانی خانوار بر حسب میزان مشارکت و سن آنان

جمع	سال و	۶۴تا۶۵	بیش تر	۵۹تا۵۵	۵۴تا۵۰	۴۹تا۴۵	۴۴تا۴۰	۳۹تا۳۵	۳۴تا۳۰	۲۹تا۲۵	زیر ۲۴ سال	بی جواب	سن رئیس خانوار	
													میزان مشارکت	بی جواب
۱۷۸	۳۴	۲۲	۹	۱۱	۱۵	۱۷	۱۲	۶	۱	۲	۲	۱	۲	
۱۰۰	۲۴/۶	۱۵/۹	۶/۵	۸	۱۰/۹	۱۲/۳	۸/۷	۴/۳	۰/۷	۱/۴				
۴۵	۱۳	۸	۳	۴	۲	۱	۵	۵	۱۱/۱	۱۱/۱	۷			۱-۱/۴۹
۱۰۰	۲۸/۹	۱۷/۸	۶/۷	۸/۹	۴/۴	۲/۲	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۷			
۱۵۸	۲۸	۱۹	۱۱	۱۵	۱۵	۱۴	۱۴	۱۸	۱۴	۱۸	۷			۱/۵-۲/۴۹
۱۰۰	۱۷/۷	۱۲	۷	۹/۵	۹/۵	۸/۹	۸/۹	۱۱/۱	۱۱/۱	۴/۴				
۱۴۹	۲۴	۱۳	۱۱	۱۹	۱۶	۱۴	۲۰	۱۳	۳	۳				۲/۵-۳/۴۹
۱۰۰	۱۶/۱	۸/۷	۷/۴	۱۲/۸	۱۰/۷	۹/۴	۱۳/۴	۸/۷	۲	۲				
۵۷	۷	۴	۵	۴	۱۰	۳	۱۰	۶	۳	۳				۴/۵-۵
۱۰۰	۱۲/۳	۷	۸/۸	۷	۱۷/۵	۵/۳	۱۷/۵	۱۰/۵	۵/۳	۵/۳				
۶۵۳	۱۲۷	۸۷	۴۸	۶۴	۶۷	۶۰	۷۶	۵۷	۱۸	۲				جمع
۱۰۰	۱۹/۴	۱۱/۹	۷/۴	۹/۸	۱۰/۳	۹/۲	۱۱/۶	۸/۷	۲/۸	۰/۳				

جدول شماره ۴ - توزیع فراوانی افراد جامعه بر حسب میزان مشارکت و جنس

جنس	مرد	زن	بی جواب	جمع
میزان مشارکت ۱-۱/۴۹ بسیار کم	۴	۴۱		۴۵
	۱۲/۵	۶/۶		۶/۹
۲-۲/۴۹ کم	۱۵۲	۶		۱۵۸
	۲۴/۶	۱۸/۸		۲۴/۲
۳-۳/۴۹ متوسط	۱۴۳	۶		۱۴۹
	۲۳/۱	۱۸/۸		۲۲/۸
۴-۴/۴۹ زیاد	۱۰۳	۳		۱۰۶
	۱۶/۶	۹/۴		۱۶/۲
۵-۴/۵ بسیار زیاد	۵۶	۱		۵۷
	۲۰	۳۷/۵	۱۰۰	۲۱/۱
جمع	۶۱۹	۲۳	۲	۶۵۳
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول شماره ۵ - توزیع فراوانی افراد جامعه بر حسب میزان مشارکت و وضع سلامتی

وضع سلامتی	ناسالم	سالم	بی جواب	جمع
میزان مشارکت ۱-۱/۴۹ بسیار کم	۱۳	۳۱	۱	۴۵
	۲۸/۹	۶۸/۹	۲/۲	۱۰۰
۲-۲/۴۹ کم	۲۸	۱۲۶	۴	۱۵۸
	۱۷/۷	۷۹/۷	۲/۵	۱۰۰
۳-۳/۴۹ متوسط	۲۰	۱۲۵	۴	۱۴۹
	۱۳/۴	۸۳/۹	۲/۷	۱۰۰
۴-۴/۴۹ زیاد	۱۰	۹۱	۵	۱۰۶
	۹/۴	۸۵/۸	۴/۷	۱۰۰
۵-۴/۵ بسیار زیاد	۵	۵۱	۱	۵۷
	۲۰	۳۷/۵	۱۰۰	۲۱/۱
جمع	۱۰۳	۵۳۰	۲۰	۶۵۳
	۱۵/۸	۸۱/۲	۳/۱	۱۰۰

جدول شماره ۶ - توزیع فراوانی افراد جامعه بر حسب میزان مشارکت و تأهل

میزان مشارکت	تاهل	مجرد	بی جواب	جمع
۱-۱/۴۹ بسیار کم	۳۹	۶		۴۵
	۸۶/۷	۱۳/۳		۱۰۰
۱/۵-۲/۴۹ کم	۱۴۹	۸	۱	۱۵۸
	۹۴/۳	۵/۱	۰/۶	۱۰۰
۲/۵-۳/۴۹ متوسط	۱۳۶	۱۲	۱	۱۴۹
	۹۱/۳	۸/۱	۰/۷	۱۰۰
۳/۵-۴/۴۹ زیاد	۱۰۲	۴		۱۰۶
	۹۶/۲	۳/۸		۱۰۰
۴/۵-۵ بسیار زیاد	۵۴	۳		۵۷
	۹۴/۷	۵/۳		۱۰۰
جمع	۵۹۸	۵۰	۵	۶۵۳
	۹۱/۶	۷/۷	۰/۸	۱۰۰

جدول شماره ۷ - توزیع فراوانی رؤسای خانوار بر حسب میزان مشارکت و تعداد افراد خانوار

میزان مشارکت	تعداد افراد خانوار	بی جواب	۳ تا ۱ نفر	۴ تا ۶ نفر	۷ تا ۹ نفر	۱۰ نفر و بیش تر	جمع
بی جواب و غیر شامل	۲		۳۱	۵۶	۴۰	۹	۱۳۸
	۱/۴	۲۲/۵	۴۰/۶	۲۹	۶/۵	۱۰۰	
۱-۱/۴۹ بسیار کم	۱۰		۱۹	۱۴	۲	۴۵	
	۲۲/۲	۴۲/۲	۳۱/۱	۴/۴	۱۰۰		
۱/۵-۲/۴۹ کم	۲۰		۶۴	۵۷	۱۷	۱۵۸	
	۱۲/۷	۴۰/۵	۳۶/۱	۱۰/۸	۱۰۰		
۲/۵-۳/۴۹ متوسط	۲۷		۶۲	۴۸	۱۲	۱۴۹	
	۱۸/۱	۴۱/۶	۳۲/۲	۸/۱	۱۰۰		
۳/۵-۴/۴۹ زیاد	۲۱		۳۹	۳۶	۱۰	۱۰۶	
	۱۹/۸	۳۶/۸	۳۴	۹/۴	۱۰۰		
۴/۵-۵ بسیار زیاد	۱۲		۲۸	۱۴	۳	۵۷	
	۲۱/۱	۴۹/۱	۲۴/۶	۵/۳	۱۰۰		
جمع	۲	۱۲۱	۲۶۸	۲۰۹	۵۳	۶۵۳	
	۰/۳	۱۸/۵	۴۱	۳۲	۸/۱	۱۰۰	

جدول شماره ۸- توزیع فراوانی افراد جامعه بر حسب میزان مشارکت و تعداد فرزند ذکور

جمع	۷ پسر و بیش تر	۵ و ۶ پسر	۳ و ۴ پسر	۱ و ۲ پسر	تعداد پسر	
					میزان مشارکت	
۳۵	۱	۵	۷	۲۲	۱-۱/۴۹ بسیار کم	
۱۰۰	۲/۹	۱۴/۳	۲۰	۶۲/۹		
۱۴۱		۷	۵۵	۷۹	۲-۲/۴۹ کم	
۱۰۰		۵	۳۹	۵۶		
۱۳۰	۳	۱۴	۳۷	۷۶	۳-۳/۴۹ متوسط	
۱۰۰	۲/۳	۱۰/۸	۲۸/۵	۵۸/۵		
۸۹		۱۰	۳۳	۴۶	۴-۴/۴۹ زیاد	
۱۰۰		۱۱/۲	۳۷/۱	۵۱/۷		
۴۶		۲	۱۷	۲۷	۵-۴/۵۵ بسیار زیاد	
۱۰۰		۴/۳	۳۷	۵۸/۷		
۴۴۱	۴	۳۸	۱۴۹	۲۵۰	جمع	
۱۰۰	۰/۹	۸/۶	۳۳/۸	۵۶/۷		

جدول شماره ۹- توزیع فراوانی رؤسای خانوار بر حسب میزان مشارکت و نوع مالکیت زمین

جمع	خوش نشین	مشاع	اجاره‌ای	شخصی	بی جواب	نوع مالکیت زمین	
						میزان مشارکت	
۱۳۸	۱۲	۱	۶	۱۰۴	۱۵	بی جواب و غیر شامل	
۱۰۰	۸/۷	۰/۷	۴/۳	۷۵/۴	۱۰/۹		
۴۵	۴		۱	۳۵	۵	۱-۱/۴۹ بسیار کم	
۱۰۰	۸/۹		۲/۲	۷۷/۸	۱۱/۱		
۱۵۸	۲۱		۴	۱۲۸	۵	۲-۲/۴۹ کم	
۱۰۰	۱۳/۳		۲/۵	۸۱	۳/۲		
۱۴۹	۱۵	۱	۴	۱۱۷	۱۲	۳-۳/۴۹ متوسط	
۱۰۰	۱۰/۱	۰/۷	۲/۷	۷۸/۵	۸/۱		
۱۰۶	۷		۱۲	۸۱	۶	۴-۴/۴۹ زیاد	
۱۰۰	۶/۶		۱۱/۳	۷۶/۴	۵/۷		
۵۷	۱۳	۱	۱	۳۵	۷	۵-۴/۵۵ بسیار زیاد	
۱۰۰	۲۲/۸	۱/۸	۱/۸	۶۱/۴	۱۲/۳		
۶۵۳	۷۲	۳	۲۸	۵۰۰	۵۰	جمع	
۱۰۰	۱۱	۰/۵	۴/۳	۷۶/۶	۷/۷		

جدول شماره ۱۰- توزیع فراوانی افراد جامعه برحسب میزان مشارکت و مقدار زمین زیرکشت

مقدار زمین زیرکشت		میزان مشارکت	
مکتر از ۱۵ هکتار	۱۵-۲۹ هکتار	۳۰ هکتار و بیشتر	جمع
۲۵	۸	۳	۳۶
۶۹/۴	۲۲/۲	۸/۳	۱۰۰
۱۰۳	۲۳	۷	۱۳۳
۷۷/۴	۱۷/۳	۵/۳	۱۰۰
۹۰	۱۷	۱۱	۱۱۸
۷۶/۳	۱۴/۴	۹/۳	۱۰۰
۶۹	۹	۴	۸۲
۸۴/۱	۱۱	۴/۹	۱۰۰
۲۹	۶	۱	۳۶
۸۰/۶	۱۶/۷	۲/۸	۱۰۰
۳۱۶	۶۳	۲۶	۴۰۵
۷۸	۱۵/۶	۶/۴	۱۰۰

جدول شماره ۱۱- توزیع فراوانی رؤسای خانوار بر حسب ارتباط بین میزان کل درآمد خانوار و میزان مشارکت در امر ساخت و ساز منازل تخریب شده

میزان کل درآمد		میزان مشارکت				
بی جواب و غیر شامل	۱-۴۹	۱/۵-۲/۴۹	۲/۵-۳/۴۹	۳/۵-۴/۴۹	۴/۵-۵	جمع
۴	۳	۱۴	۵	۸	۱۱	۶۲
۶/۵	۱۱/۵	۱۵/۲	۵/۷	۱۳/۱	۴۲/۳	۱۰۰
۲۴	۹	۳۶	۲۸	۲۱	۵	۱۸۰
۳۸/۷	۳۴/۶	۳۹/۱	۳۱/۸	۳۴/۴	۱۹/۲	۱۰۰
۱۸	۷	۲۵	۲۶	۱۲	۵	۹۳
۲۹	۲۶/۹	۲۷/۲	۲۹/۵	۱۹/۷	۱۹/۲	۱۰۰
۱۱	۶	۱۲	۱۹	۱۰	۴	۶۲
۱۷/۷	۲۳/۱	۱۳	۲۱/۶	۱۶/۴	۱۵/۴	۱۰۰
۵	۱	۵	۱۰	۱۰	۱	۳۲
۸/۱	۳/۸	۵/۴	۱۱/۴	۱۶/۴	۳/۸	۱۰۰
۲۰-۹۹	۲۰۰-۲۹۹	۳۰۰-۳۹۹	۴۰۰-۴۹۹	۵۰۰-۵۹۹	۶۰۰-۶۹۹	۷۰۰ به بالا
۴۵	۱۲۳	۹۳	۶۲	۳۲	۳۵۵	جمع
۱۲/۷	۳۴/۶	۲۶/۲	۱۷/۵	۹	۱۰۰	۱۰۰

جدول شماره ۱۲ - توزیع فراوانی رؤسای خانوار بر حسب میزان مشارکت و وضعیت محل سکونت فعلی

جمع	خانه چوبی	مدرسه	خانه بلاعوض	خانه	چادر	بی جواب	وضعیت محل سکونت فعلی
							میزان مشارکت بی جواب و غیر شامل
۱۳۶	۲	۱		۳۰	۱۰۲	۳	بی جواب و غیر شامل
۱۰۰	۱/۴	۰/۷		۲۱/۷	۷۳/۹	۲/۲	
۴۵				۸	۳۸		۱-۱/۴۹ بسیار کم
۱۰۰				۱۷/۸	۸۲/۲		
۱۵۸	۱		۱	۱۸	۱۳۸		۲-۱/۵-۲/۴۹ کم
۱۰۰	۰/۶		۰/۶	۱۱/۴	۸۷/۳		
۱۴۹	۶	۱		۳۴	۱۰۶	۲	۲/۵-۳/۴۹ متوسط
۱۰۰	۴	۰/۷		۲۲/۸	۷۱/۱	۱/۳	
۱۰۰	۱۰۶	۲		۳۳	۳۵	۶۹	۳/۵-۴/۴۹ زیاد
۱۰۰	۱/۹			۳۳	۶۵/۱		
۵۷				۱۸	۳۸	۱	۴/۵-۵ بسیار زیاد
۱۰۰				۳۱/۶	۶۶/۷	۱/۸	
۶۵۳	۱۱	۲	۱	۱۴۳	۴۹۰	۶	جمع
۱۰۰	۱/۷	۰/۳	۰/۲	۲۱/۹	۷۵	۰/۹	

جدول شماره ۱۳ - توزیع فراوانی رؤسای خانوار بر حسب میزان مشارکت و میزان تخریب منزل مسکونی از نظر روستایی

جمع	۸۱-۱۰ درصد	۶۱-۸۰ درصد	۴۱-۶۰ درصد	۲۱-۴۰ درصد	۱-۲۰ درصد	بی جواب	وضعیت تخریب منزل مسکونی از نظر روستایی
							میزان مشارکت بی جواب و غیر شامل
۱۳۸	۹۹	۱۰	۷	۴	۶	۱۲	بی جواب و غیر شامل
۱۰۰	۷۱/۷	۷/۲	۵/۱	۲/۹	۴/۳	۸/۷	
۴۵	۳۷	۲	۳	۲		۱	۱-۱/۴۹ بسیار کم
۱۰۰	۸۲/۲	۴/۴	۶/۷	۴/۴		۲/۲	
۱۵۸	۱۱۷	۱۹	۹	۹	۱	۳	۲-۱/۵-۲/۴۹ کم
۱۰۰	۷۴/۱	۱۲	۵/۷	۵/۷	۰/۶	۱/۹	
۱۴۹	۱۰۲	۱۱	۱۷	۱۳	۵	۱	۲/۵-۳/۴۹ متوسط
۱۰۰	۶۸/۵	۷/۴	۱۱/۴	۸/۷	۳/۴	۰/۷	
۱۰۶	۵۸	۶	۱۴	۱۶	۷	۵	۳/۵-۴/۴۹ زیاد
۱۰۰	۵۴/۷	۵/۷	۱۳/۲	۱۵/۱	۶/۶	۴/۷	
۵۷	۳۶	۴	۶	۲	۷	۲	۴/۵-۵ بسیار زیاد
۱۰۰	۶۳/۲	۷	۱۰/۵	۳/۵	۱۲/۳	۳/۵	
۶۵۳	۴۴۹	۵۲	۵۶	۴۶	۲۶	۲۴	جمع
۱۰۰	۶۸/۸	۸	۸/۶	۷	۴	۳/۷	

جدول شماره ۱۴ - توزیع فراوانی افراد جامعه بر حسب میزان مشارکت و نظر آن‌ها درباره ابقای روستا

میزان مشارکت بی جواب و غیر شامل	نظر خانوار درباره ابقای روستا		بی جواب	موافق	مخالف	جمع
	زیاد	متوسط				
بی جواب و غیر شامل	۳	۱۲۷	۹۲	۸	۱۳۸	۱۰۰
۱-۱/۴۹ بسیار کم	۲/۲	۴۲	۹۳/۳	۳	۴۵	۱۰۰
۲-۲/۴۹ کم	۲	۱۴۸	۹۳/۷	۸	۱۵۸	۱۰۰
۱-۲/۴۹ متوسط	۱	۱۴۱	۹۴/۶	۷	۱۴۹	۱۰۰
۳-۳/۴۹ زیاد	۰/۷	۱۰۴	۹۸/۱	۲	۱۰۶	۱۰۰
۴-۴/۴۹ بسیار زیاد	۰/۷	۴۷	۸۲/۵	۱۰	۵۷	۱۰۰
جمع	۶	۶۰۹	۹۳/۳	۳۸	۶۵۳	۱۰۰

جدول شماره ۱۵ - توزیع فراوانی رؤسای خانوار بر حسب میزان مشارکت آنان در ساخت و ساز منازل تخریب شده و نظر آن‌ها درباره کمک‌های دریافتی از نهادهای دولتی

میزان مشارکت بی جواب و غیر شامل	کمک‌های دریافتی						جمع
	۱-۲۰	۲۱-۴۰	۴۱-۶۰	۶۱-۸۰	۸۱-۱۰۰	بی جواب	
بی جواب و غیر شامل	۲	۲۴	۴۳	۴۱	۵	۱۳۸	۱۰۰
۱-۱/۴۹ بسیار کم	۱۶/۷	۱۷/۴	۳۱/۲	۲۹/۷	۳/۶	۴۵	۱۰۰
۲-۲/۴۹ کم	۱	۱۰	۱۷	۱۳	۱	۴۵	۱۰۰
۳-۳/۴۹ متوسط	۲/۲	۲۲/۲	۳۷/۸	۲۸/۹	۲/۲	۱۵۸	۱۰۰
۴-۴/۴۹ زیاد	۳/۸	۱۵/۲	۲۸/۵	۴۱/۱	۸/۲	۱۴۹	۱۰۰
۵-۵/۴۹ بسیار زیاد	۱۷	۱۹	۵۲	۴۴	۱۵	۱۰۶	۱۰۰
جمع	۲۳	۲۴	۴۳	۴۱	۵	۶۵۳	۱۰۰

نتایج مربوط به فرضیه‌های تحقیق

در تبیین فرضیه‌های مطرح شده در خصوص میزان مشارکت رؤسای خانوار در ساخت و ساز مناطق آسیب دیده از زلزله، نتایج زیر قابل بیان است:

۱- با عنایت به تعریف متغیر مربوط به میزان مشارکت، چنان چه جدول مربوطه نشان می‌دهد، حدود $\frac{1}{5}$ رؤسای خانوار به دلیل عدم مشارکت یا پاسخ ندادن به پرسش مربوطه، از مجموعه محاسبات خارج شدند و در بین بقیه، حدود ۳۲ درصد، میزان مشارکت زیاد و بسیار زیاد را اعلام کرده‌اند و در مقابل، حدود چهل درصد میزان مشارکت کم و بسیار کم را اعلام داشته‌اند.

در اثبات یا رد فرضیه اول، نتایج حاصل از محاسبات آماری نشان می‌دهد که: اولاً، با اطمینان ۹۸ درصد، تفاوت بین میزان مشارکت و سطح سواد در رؤسای خانوار وجود دارد. ضریب توافق کرامر محاسبه شده نیز مؤید رابطه بین دو متغیر مورد بحث است؛ یعنی، هرچه سطح سواد افزایش پیدا کند، بر میزان مشارکت افزوده می‌شود و این امر مؤید دیدگاه یکی از صاحب نظران توسعه است.

ثانیاً، بین سن رؤسای خانوار و میزان مشارکت آن‌ها رابطه وجود دارد و به موجب «تائوسی» محاسبه شده، این رابطه، «معکوس» است؛ یعنی، هر اندازه سن افزایش پیدا می‌کند، از میزان مشارکت کاسته می‌شود.

ثالثاً، بین میزان مشارکت رئیس خانوار و جنس او ارتباط وجود ندارد، به طوری که خی دو محاسبه شده نیز این امر را با پنج درصد خطا تأیید می‌کند.

رابعاً، ارتباط بین دو متغیر میزان مشارکت و وضع سلامتی رؤسای خانوار با محاسبات آماری (آزمون خی دو و ضریب توافق کرامر) با اطمینان ۹۵ درصد، مورد تأیید قرار گرفته اس.

نتیجه این که در فرضیه اول، ارتباط بین میزان مشارکت با سطح سواد، سن و سلامتی رؤسای خانوار تأیید ولی با جنس آنها رد می‌شود.

۲- در خصوص دومین فرضیه مبنی بر وجود رابطه بین میزان مشارکت و شاخص‌های خانوار، این نتایج به دست آمده است:

اولاً، بین حجم خانوار و میزان مشارکت رؤسای خانوار در بازسازی بر اساس آزمون

خی دو تفاوت وجود ندارد و لذا نمی‌توان وجود رابطه را اثبات کرد. ثانیاً، بین وضعیت تأهل و میزان مشارکت رؤسای خانوار در بازسازی و نوسازی مناطق آسیب‌دیده از زلزله بر اساس آزمون خی دو تفاوت وجود ندارد. ثالثاً، آزمون خی دو تفاوت بین دو متغیر میزان مشارکت رؤسای خانوار و تعداد فرزندان ذکور در خانوار را نیز تأیید نمی‌کند. در نتیجه، دومین فرضیه پژوهش در هر سه بعد رد می‌شود.

۳- در تبیین رابطه بین میزان مشارکت و وضعیت اقتصادی، نتایج زیر حاصل شده است: اولاً، بین میزان مشارکت و نوع مالکیت زمین بر اساس آزمون خی دو تفاوت وجود ندارد.

ثانیاً، وجود رابطه بین میزان مشارکت و مجموع درآمدهای رؤس خانوار با محاسبه ضریب همبستگی «تائوسی» در حد ضعیفی تأیید شده است. ثالثاً، ارتباط بین میزان مشارکت رؤسای خانوار و مقدار زمین زیر کشت تأیید نمی‌شود، به گونه‌ای که آزمون خی دو با خطای پنج درصد، تفاوت بین دو متغیر مورد بحث را نشان نمی‌دهد.

نتیجه این که در فرضیه سوم تحقیق، ارتباط بین میزان مشارکت با مجموع درآمدهای رؤس خانوار تأیید و با دو متغیر دیگر (نوع مالکیت زمین مزروعی، مقدار زمین زیر کشت) رد می‌شود.

۴- در بیان وجود رابطه بین میزان مشارکت رؤس خانوار در ساخت و ساز مناطق آسیب‌دیده از زلزله و وضعیت محل سکونت فعلی، آزمون خی دو در سطح یک درصد خطا، تفاوت بین دو متغیر را نشان می‌دهد و ضریب توافق کرامر محاسبه شده، مؤید توافق بین دو متغیر است. پس، فرضیه مربوط به این دو متغیر تأیید می‌شود؛ یعنی، بین میزان مشارکت رؤس خانوار در بازسازی مناطق آسیب‌دیده و وضعیت محل سکونت فعلی رابطه وجود دارد.

۵- در مورد پنجمین فرضیه که ارتباط بین میزان مشارکت و میزان تخریب منزل مسکونی را مدعی بود، فرضیه همبستگی رتبه‌ای محاسبه شده است که با اطمینان ۹۹ درصد، ارتباط بین دو متغیر را تأیید می‌کند.

یعنی، بین میزان مشارکت رؤسای خانوار در بازسازی و نوسازی و میزان تخریب منزل مسکونی رابطه وجود دارد که این رابطه، معکوس است؛ یعنی، هر اندازه میزان تخریب منزل بیش تر می شود، میزان مشارکت رؤسای خانوار کاهش می یابد. بنابراین، فرضیه پنجم تحقیق نیز تأیید می شود.

۶- آزمون خی دو در خصوص دو متغیر میزان مشارکت در بازسازی و نظر رؤسای خانوار درباره ابقا، نشان از تفاوت بین این متغیر دارد. ضریب توافق کرامر محاسبه شده، توافق بین میزان مشارکت و نظر رؤسای خانوار درباره چگونگی ابقای روستای محل سکونت را تأیید می کند. بنابراین، فرضیه ششم که حاکی از وجود ارتباط بین دو متغیر فوق الذکر است، تأیید می شود.

۷- در راستای تبیین وجود رابطه بین میزان مشارکت رؤسای خانوار و نظر آنها درباره کمک های دریافتی از نهادهای دولتی به منظور اثبات یا رد فرضیه هفتم پژوهش، ضریب همبستگی رتبه ای کندال محاسبه شد که با اطمینان ۹۹ درصد، فرضیه مورد بحث تأیید گردید؛ یعنی، هر اندازه نظر رؤسای خانوار درباره کمک های دریافتی به مناسب تر میل کند، بر میزان مشارکت آنها در امر ساخت و ساز مناطق آسیب دیده افزوده می شود.

پیشنهادها

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق و همچنین مشاهدات و تجربیات گروه تحقیق می توان پیشنهادهای زیر را ارائه کرد:

۱- با توجه به سطح سواد و نرخ بی سواد در منطقه، به ویژه در خصوص گروه زنان، و با عنایت به این که ارتباط بین میزان مشارکت و سطح سواد به اثبات رسید، شایسته است که نهاد آموزش و پرورش و نهضت سوادآموزی تدابیر هماهنگ و مؤثری را با هدف کاهش نرخ بی سواد اتخاذ کنند، به ویژه این که آمار کودکان و نوجوانان لازم التعلیم (شش تا چهارده سال) بی سواد نیز در روستاهای منطقه قابل توجه بوده است.

۲- قراین و شواهد روشن و ملموس نشان می داد که بیش ترین تلفات دامی و انسانی به دلیل عدم رعایت اصول ایمنی و مهندسی اولیه در ساخت و ساز منازل مسکونی و

محل نگهداری دام بود. بنابراین، لازم است که نهادهای ذیربط، به ویژه جهاد سازندگی در سطح روستاها توصیه‌های لازم را به روستاییان ارائه کنند و حتی‌المقدور آموزش لازم را در به‌کارگیری مصالح مناسب و مقاوم به آن‌ها بدهند.

۳- روستاییان به علل مختلف از جمله مواردی که در متن این پژوهش اشاره شد، میل و رغبتی به تجمیع با روستاهای دیگر ندارند و اصولاً از هر گونه تغییر و جابه‌جایی در محل استقرار بی‌منا کند. به نظر می‌رسد که آگاه‌سازی متناسب با فرهنگ جامعه می‌تواند به تدریج زمینه این مهم را فراهم سازد، به خصوص که همراه با این سیاست، می‌توان به تدریج روستاییان را نسبت به مزایا و فواید کشاورزی در قطعات بزرگ زمین (با یکپارچه کردن قطعات کوچک کشاورزی) تشویق کرد.

۴- روستاییان آسیب‌دیده شناخت کافی و حتی اولیه از وظایف و مسئولیت‌های هر یک از نهادهای ذیربط در امور روستایی نداشتند. بنابراین، نهادهای ذیربط باید از طرق مختلف نسبت به افزایش میزان آگاهی و اطلاعات روستاییان تدابیر لازم را اتخاذ کنند و به اجرا درآورند.

۵- شواهد و قراین به گروه تحقیق نشان داد که توجه به آرا و صحبت‌های مردم و همراه با آن، نشست و برخاست با مردم و ابزار همدلی و همدردی با آن‌ها تا چه حد می‌تواند زمینه مشارکت و در نتیجه، تسریع در روند بازسازی و نوسازی را فراهم کند. بنابراین، عمل به این امر در اشکال مختلف در جلب اعتماد و همیاری آن‌ها مؤثر خواهد بود. ۶- اغلب افراد جامعه، دولت را مسئول ساخت‌وساز معرفی کرده، سهم خود را تنها در مشارکت یدی و بدنی می‌دانستند، هر چند این امر بی‌ارتباط با وضعیت اقتصادی نامناسب و فقر فرهنگی منطقه نیست و بی‌رغبتی در یک مشارکت جدی و سرمایه‌گذاری مادی در بهبود شرایط زیست را نشان می‌دهد. لذا لازم است که دفتر امور اجتماعی استان با همکاری سایر نهادها و سازمان‌های ذیربط انگیزه لازم را در این مورد با برنامه‌های مختلف ایجاد کند.

۷- خیرخواهی مردم و احساس مسئولیت قابل توجه آن‌ها در کمک به آسیب‌دیدگان از سوانح و حوادث شایان این توجه است که نهادهای ذیربط، از جمله هلال احمر، ستاد حوادث غیرمترقبه و در نهایت، استانداری‌ها در مقام نمایندگان دولت در منطقه باید

سریعاً اداره و رهبری این کمک‌ها و تلاش‌های انسانی را به عهده بگیرند تا هم از هدر رفتن نیروها و امکانات جلوگیری شود، هم تمامی آسیب‌دیدگان به طور نسبی و هماهنگ از خدمات مورد نظر بهره‌مند شوند.

مشاهدات گروه تحقیق در روزهای اول حادثه نشان می‌داد که پاره‌ای از روستاهای دور افتاده، از کمک‌های مردمی بهره‌چندانی نداشتند و نیروهای خودجوش نیز غالباً به روستاهای در دسترس توجه می‌کردند.

۸- گروه تحقیق در اوایل حادثه شاهد صحنه‌های ناخوشایندی از دام‌های زیر آوار بود. صاحبان دام شدیداً متأثر از صحنه‌هایی بودند که به روشنی ارزش و اهمیت دام برای روستاییان را نشان می‌داد. بنابراین، اقدام سریع نیروهای امدادی در پاک‌سازی منطقه و دفن دام‌های تلف شده می‌تواند بر روحیه مصیبت‌زدگان مؤثر واقع شود؛ علاوه بر آن، از بروز ضایعات بهداشتی و تلفات انسانی جلوگیری کند، به خصوص وضع موجود در دامنه سبلان و در فصل زمستان و با وجود حیوانات وحشی نظیر گرگ خطرات جدی را می‌توانست متوجه زلزله‌زده‌ها سازد.

۹- سیاست تجمیع دولت در پاره‌ای از نقاط کشور از جمله منطقه مورد مطالعه جواب چندان مساعدی از سوی مردم نمی‌دهد و به نظر می‌رسد که اگر در این خصوص، آگاه‌سازی جوامع روستایی در مزایا و فواید آن انجام پذیرد، می‌تواند ثمرات و نتایج سودمندی در ابعاد مختلف برای روستاییان و در نهایت، دولت و کشور داشته باشد.

۱۰- «مشارکت» پدیده اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مهمی است که به نظر می‌رسد بهای لازم به آن داده نشده است و غالباً، مشارکت در بعد مادی و اقتصادی معنا پیدا می‌کند، در صورتی که این امر باید در تمامی ابعاد اعم از مادی و معنوی و در تمامی مراحل در امور اجتماعی لحاظ شود. نظرخواهی از مردم در امور اجتماعی «مشارکت» است. همراه کردن مردم با خود در مطالعه و جمع‌آوری اطلاعات و رسیدن به شناخت موضوع، «مشارکت» است و... ترغیب و تشویق مردم در مراقبت از امکانات به وجود آمده و استفاده بهینه از آن، «مشارکت» است. بنابراین، نهادهای ذیربط در امور روستایی باید به این پدیده توجه کافی و عنایت عملی داشته باشند و موفقیت برنامه‌های مختلف مربوط به عمران روستایی را در گروهی تحقق این مهم بدانند.

منابع

- آریانپور، عباس و همکاران. فرهنگ دانشگاهی انگلیسی-فارسی. تهران: امیرکبیر، چاپ نهم، ۱۳۶۹.
- احرار، سیداحمد. شناخت مسائل روستایی. تبریز: آذربادگان، ۱۳۵۴.
- ازکیا، مصطفی. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی. تهران: اطلاعات، ۱۳۷۰.
- اوکلی، پیتر و همکار. رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی. ترجمه منصور محمود نژاد. تهران: جهاد سازندگی، ۱۳۷۰.
- جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌یافتگی روستایی ایران. تهران: اطلاعات، ۱۳۶۵.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. سیاست و اقتصاد عصر صفوی. تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۶۷.
- بربریان، مانوئل. نخستین کاتالوگ زلزله و پدیده‌های طبیعی ایران زمین. جلد نخست، تهران: مؤسسه بین‌المللی زلزله‌شناسی، ۱۳۷۴.
- پورافکاری، نصراله. روش پژوهشی روستاهای آذربادگان. تبریز: ۱۳۵۲.
- پیر موسی. ملل فقیر. ترجمه ب. مهرگان. تهران: بی‌نا، بی‌تا.
- ترابی، علی. مبانی جامعه‌شناسی. تهران: اقبال، ۱۳۴۷.
- جامعه‌شناسی روستایی. تبریز: آذربادگان، ۱۳۴۲.
- جامعی، بیوک. نگاهی به آثار و ابنیه تاریخی اردبیل. تهران: علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
- جامی، ن. گذشته چراغ راه آینده. تهران: ققنوس، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
- جهاد سازندگی شیراز. مجموعه مقالات «کنفرانس روستا، رشد، توسعه، نقش مشارکت و بسیج مردم در خودکفایی کشاورزی و سازندگی روستاها»، ۱۳۶۵.
- جیروند، عبدالله. توسعه اقتصادی. تهران: مولوی، ۱۳۶۸.
- دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران. اولین کنفرانس بین‌المللی بلایای طبیعی در مناطق شهری. (مجموعه مقالات). تهران: ۱۳۷۱.
- راسخ، شاپور و همکار. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران. تهران: سازمان انتشارات و خدمات فرهنگی، ۱۳۴۴.
- رحیم‌نیا، رحیم. آذربایجان در سیر تاریخ ایران. تبریز: نیما، بی‌تا.
- روکن‌پروف، رایان. نظریه‌های توسعه‌یافتگی. ترجمه علی هاشمی‌گیلانی. تهران: نصر، ۱۳۶۹.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. تاریخ مردم ایران قبل از اسلام. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.

- ساروخانی، باقر. دایرةالمعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان، ۱۳۷۰.
- سازمان برنامه و بودجه. آمارنامه سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵. استان اردبیل.
- سازمان برنامه و بودجه. دومین سمینار ملی رفاه اجتماعی. کمیته مشارکت در امور رفاهی، ۱۳۵۵.
- سام‌آرام، عزت‌الله. مددکاری اجتماعی کار با جامعه. تهران: نقش هستی، ۱۳۷۴.
- سمت. مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه. جلد دوم، تهران: ۱۳۷۰.
- صفری، بابا. اردبیل در گذرگاه تاریخ. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، ۱۳۷۰.
- صفی‌نژاد، جواد. مونوگرافی ده طالب آباد. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۲.
- کامران، فریدون. توسعه و برنامه‌ریزی روستایی. تهران: آوای نور، ۱۳۷۴.
- کسروی، احمد. تاریخ هیجده‌ساله آذربایجان. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- شیخ صفی و تبارش. تهران: چاپ دهم، ۱۳۴۲.
- کشاورز، محمدرضا و همکار. زلزله و اثرات مخرب آن.
- کنکنی، مهدی. نظری به روستاهای مازندران. تهران: ۱۳۴۹.
- گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی، ۱۳۷۶.
- گیرشمن، ر. ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین. تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- مجله فرهنگ و زندگی. شماره ۲۴.
- مرکز آمار ایران. آمارنامه سال ۱۳۷۳. استان اردبیل.
- نفیسی، سعید. تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران. تهران: مروی، ۱۳۶۸.
- نیک‌خلق، علی‌اکبر. مقدمه‌هایی بر جامعه‌شناسی روستایی ایران. تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران، ۱۳۵۸.
- ن. ن. آمبریز ج. ب. ملویل. تاریخ زمین‌لرزه‌های ایران. ترجمه ابوالحسن زاده. تهران: آگاه، ۱۳۷۰.
- ودیعی، کاظم. روستانشینی در ایران. تهران: مرکز مطالعات و هماهنگی، ۱۳۵۴.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. نامه پژوهش «توسعه فرهنگی». سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۷۵.
- وثوق، منصور. جامعه‌شناسی روستایی. تهران: کیهان، ۱۳۶۸.
- وینر، مایرون. نوسازی جامعه. ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای.